

تبیین شرایط اقتصاد سیاسی کشور

علی باریکانی^۱

چکیده

نگاه و بررسی اقتصاد سیاسی ملاحظات اقتصادی و سیاسی را در کنار یکدیگر مد نظر قرار می‌دهد. شرایط و عوامل بسیاری منجر به شکل‌گیری وضعیت فعلی اقتصادی و سیاسی شده‌اند. سیر تاریخی این عوامل از جمله انقلاب اسلامی، ریشه‌های شکل‌گیری وضعیت اقتصاد سیاسی در سرمایه‌داری دولتی، توزیع منابع و فرصت‌ها، اقتصاد بخش خصوصی، شرایط سیاسی انتخابات و... را مشخص می‌کند. شکل‌گیری سرمایه‌داری دولتی، عدم خصوصی‌سازی مطلوب و... در بلندمدت به بحران‌های ناکارآمدی و توزیع منابع و ثروت می‌انجامد. این موضوع با ایجاد بحران‌های اجتماعی امنیت اقتصادی را به خطر می‌اندازد. از این رو راهکارهای گسترش خصوصی‌سازی واقعی، عدم واگذاری شرکت‌ها به شبه‌دولتی‌ها و بازتفسیر نظام انباشت سرمایه پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، سرمایه‌داری، انتخابات، خصوصی‌سازی، توزیع منابع.

مقدمه

در دهه ۱۹۷۰ آشکار شد که جدایی حوزه‌های اقتصاد و سیاست از یکدیگر اشتباه است. در آن دهه نظم پولی برتون-وودز فرو پاشید. دو تکانه بزرگ در قیمت نفت روی داد و وضعیت رکودتورمی حاکم شد. این رویدادها ثابت کردند که امور سیاسی و اقتصادی در یکدیگر تنیده‌اند. اقتصاد به شدت سیاسی شد و بخش بزرگی از سیاست نیز به اقتصاد می‌پرداخت. در ۵۰ سال گذشته، اقتصاد سیاسی در هر دو علم سیاست و اقتصاد برجسته شد. اقتصاد سیاسی در هر جامعه‌ای تاریخچه خاص خود را دارد که در نهایت، منجر به شکل‌گیری وضعیت خاصی در بسیاری از حوزه‌ها می‌شود.

آدام اسمیت^۲، دیوید ریکاردو^۳ و جان استوارت میل^۴ به‌عنوان پدیدآورندگان اولیه اقتصاد نوین شناخته می‌شوند. این نظریه‌پردازان مفاهیم اقتصادی و سیاسی را از یکدیگر جدا ندانسته‌اند و خود را اقتصاددان سیاسی نامیدند. به تدریج دو رویه باعث شد تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی از یکدیگر جدا شوند. اول، دولت‌ها کنترل مستقیم خود بر اقتصاد را کاهش دادند. دوم، اشکال مختلفی از سیاست پدیدار و صورت‌های بسیار متنوعی از دولت ظاهر شدند. به این ترتیب، در اوایل قرن ۲۰، علوم اقتصاد و سیاست به‌عنوان رشته‌هایی جداگانه شکل گرفتند.

۱. دانش آموخته دکترای اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ali_barikani_ali@yahoo.com

۲. کتاب اصلی: بررسی درباره ماهیت و علل ثروت ملل (۱۷۷۶).

۳. کتاب اصلی: اصول اقتصاد سیاسی و مالیات (۱۸۱۷).

۴. کتاب اصل: اصول اقتصاد سیاسی (۱۸۴۸).

«علت و معلولی» در نظر گرفته می‌شود. در واقع، شرایط اقتصاد سیاسی است که رخدادها را شکل می‌دهد. با در نظر گرفتن این نکته، در ادامه مطالب، اهم شرایط حاکم بر شرایط اقتصاد سیاسی کشور تشریح می‌شود.

۱-۱- سرمایه‌داری دولتی در ایران

در برخی از متون تخصصی از استعاره «بتواره»^۱ سرمایه‌داری دولتی» برای تشریح حضور دولت در اقتصاد استفاده می‌شود تا وابستگی حاد نخبگان قدرت به این نوع سرمایه‌داری در جامعه ایران روشن‌تر شود. مسئله محوری چنین نگاهی، بر چرایی حفظ و ادامه هسته سرمایه‌داری دولتی توسط نخبگان قدرت تحت هر شرایطی تمرکز دارد (هانت، ۱۳۹۳). برای مشخص شدن این موضوع و انتقال مضامین، لازم است تا ریشه‌های شکل‌گیری سرمایه‌داری دولتی فعلی در ایران بررسی شود.

سرمایه‌داری دولتی در ایران که حضور پررنگ کنونی دولت در فعالیت‌های اقتصادی نیز جزئی از آن شمرده می‌شود، زاییده دو نکته مهم از سال‌های پیش از انقلاب اسلامی است. نخستین نکته، «دعای پیشانقلابی رهبران انقلابی» و دومین نکته، «نیازها و وضع خاص انسان پیشانقلابی و ذات مبادله‌ای جامعه پیشانقلابی» است. وجود این دو نکته بود که تأسیس سرمایه‌داری دولتی را در دوره پس از استقرار جمهوری اسلامی ایجاب و اجتناب‌ناپذیر کرد (ستاری، ۱۳۹۹).

از آنجاکه ریشه اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی از باورهای دینی سرچشمه می‌گرفت، درون‌مایه

بنابراین، برای تبیین اقتصاد سیاسی کشور باید به ریشه‌های شکل‌گیری آن پرداخت. در این گزارش، ضمن بیان ریشه وضعیت فعلی اقتصادی و سیاسی حاکم، برخی حوزه‌های نشست‌گرفته از این شرایط از جمله سرمایه‌داری دولتی، عدم خصوصی‌سازی مطلوب، سیاست و انتخابات و تحریم‌های اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت، ملاحظات امنیت اقتصادی وجود چنین شرایطی بیان و راهکارهایی برای بهبود شرایط موجود ارائه می‌شود.

۱- عوامل اثرگذار و شکل‌دهنده اقتصاد سیاسی کشور

واژه «اقتصاد سیاسی» به مدیریت امور اقتصادی دولت مرتبط است و به دولتمردان در اداره بهتر امور اقتصادی دولت کمک می‌کند (کاپوراسو، ۱۳۹۹). اصطلاح اقتصاد سیاسی برای توصیف هر سیاست دولتی که تأثیر اقتصادی دارد نیز استفاده می‌شود. این رهیافت بر وجود ارتباط میان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی در شکل دادن پدیده‌های اجتماعی مبتنی است (میرزایی، ۱۳۹۵). در اقتصاد سیاسی قوانین مربوط به تولید و توزیع درآمد و ثروت و آثار آن در واکنش‌های جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. اغلب مباحثی که امروزه در علم اقتصاد مورد بحث قرار می‌گیرد، در گذشته به‌طور پراکنده در قلمرو اقتصاد سیاسی مطرح شده است (همان). گفتنی است، شرایط حاکم بر اقتصاد سیاسی و رخدادهای سیاسی دو مقوله جدا از هم است و رابطه آن‌ها به‌صورت

جامعه ظهور و بروز بیشتری یافت؛ زیرا ایالات متحده آمریکا نماد سرمایه‌داری بود و طبیعتاً اختلافات دو کشور شامل مباحث ایدئولوژیک نیز می‌شد. در نتیجه و به تدریج موقعیت این نوع سرمایه‌داری (سرمایه‌داری دولتی) پس از تأسیس نظام اسلامی تثبیت شد. در چنین شرایطی، سرمایه‌داری دولتی در ایران را می‌توان در ذات خود نوعی «سرمایه‌داری ضد سرمایه‌داری» نامید؛ زیرا این مدل سرمایه‌داری ابزار اصلی نخبگان قدرت برای مقاومت در برابر انواع دیگر سرمایه‌داری (به‌ویژه بورژوازی^۲ ملی مستقل) به شمار می‌آمد (ستاری، ۱۳۹۹).

سرمایه‌داری دولتی شکل‌گرفته در ایران بر جنبه‌های مختلفی از مناسبات اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در درجه اول، سرمایه‌داری دولتی توزیع منابع و فرصت‌ها را متأثر می‌کند. زمانی که مدیریت سرمایه و سکان اقتصاد در دست دولت باشد، توزیع منابع و فرصت‌ها از شکل آزاد و نظم خودجوش^۳ خارج می‌شود^۴ و تحت تأثیر

مباحثی مانند قانون مالی اسلام، مصارف بودجه دولت اسلامی، موقعیت طبقه رنجبر در حکومت اسلامی، عدم وضع مالیات بر طبقه کارگر و کشاورز، لزوم مصرف مالیات و خمس به نفع طبقات پایین و کمک صندوق مالی حکومت اسلامی به افراد دچار کسری معاش به قدر اعاشه و مانند آن سبب تقدم سرمایه‌داری دولتی بر اشکال دیگر آن در ذهن نخبگان انقلاب و جامعه شد.^۱ از طرف دیگر، فشارهای اقتصادی، نابرابری‌ها، فقدان توسعه متوازن، پدیده فقر مطلق و نسبی، تنگناهای اقتصادی زمان حکومت پهلوی و همچنین، باورهای دینی آحاد جامعه، نیازها و وضع خاص انسان پیشاانقلابی را به سمت پذیرش چنین الگویی سوق داد.

بعد از وقوع انقلاب پربرکت اسلامی نیز به دلیل حمایت‌های دولت ایالات متحده از رژیم شاهنشاهی، پذیرش محمدرضا پهلوی در ایالات متحده، اقدامات ضد ایرانی دولت آمریکا، تسخیر لانه جاسوسی و... اخلاق انقلابی همراه با روح ضد سرمایه‌داری در

۱. می‌توان نخستین گام در راه انقلاب اسلامی را در سال ۱۳۲۳ مشاهده کرد. در این سال، امام‌خیمینی (ره) کتاب کشف‌الاسرار را به‌عنوان رویکردی مدون و منسجم از الگوی دولت و حکومت اسلامی منتشر فرمودند که با استقبال فراوانی نیز روبه‌رو شد. در کتاب یادشده ایشان بیان کردند که امام دوازدهم (ع) در زمان غیبت، مسئولیت حفظ امت را به مجتهدان واگذار فرموده‌اند. در سال ۱۳۴۹ و چاپ کتاب ولایت فقیه در لبنان، این نظریات تکوین بیشتری یافت. برای درک بهتر مباحث اقتصادی اسلامی کتاب کشف‌الاسرار و ماهیت آن‌ها رک به: امام‌خیمینی (ره)، ۱۳۲۳، صص ۲۵۸-۲۷۲.

2. Bourgeoisie

3. Laissez faire

۴. در اینجا شکل آزاد و نظم خودجوش به معنای اولیه آن اشاره دارد و منظور، قرائت آمریکایی آن نیست. نظم خودجوش (لسه فر) در معنای اصیل خود یعنی استقلال در مالکیت خصوصی و ابزار تولید و حمایت از حقوق افراد در مقابل تعرض‌های حکومتی و رسمی، حمایت از سرمایه افراد مستقل در مقابل افراد دیگر، دولت‌های بیگانه و مهم‌تر از همه در مقابل دولت است. این نوع نظم در واقع بسیار ایمنی‌بخش و کمک‌کننده است، اما با بررسی حقایق درباره نظم خودجوش در اقتصاد به‌ظاهر آزاد ایالات متحده معلوم شده است، شرکت‌های بسیاری که به‌نوعی به دولت ایالات متحده وابسته هستند، ولی در سند بودجه به آن‌ها اشاره‌ای نشده است (در واقع، دولتی هستند، ولی برای استفاده‌های سوء خصوصی قلمداد شده‌اند)، تحت پوشش سیستم سرمایه‌داری آزاد، بدون رضایت شهروندان شروع به مصادره اموال عمومی و دور زدن ممنوعیت‌های تعیین‌شده برای دولت با عنوان شرکت‌های خصوصی کرده‌اند. در واقع، این نوع شرکت‌ها در تمام زمینه‌های اقتصادی (چه در

مطابق ارزش‌های تبیین‌شده در رتوریک انقلابی^۱ رهبران انقلاب، اقتصاد نظام اسلامی، هم توسعه‌محور و هم عدالت‌محور پایه‌ریزی شده بود^۲، توجیه خلق شبه‌دولتی‌ها با آرمان‌های انقلاب اسلامی همخوانی داشت.

با این تفسیر، ایجاد نهادها و بنگاه‌های شبه‌دولتی در ذات خود منطبق با آرمان‌های انقلاب و ارزشی تلقی می‌شد. در کنار ارزش هنجاری شبه‌دولتی‌ها، منفعت اقتصادی فعالیتشان نیز سبب قدرت هرچه بیشتر آن‌ها شد. بنابراین، با گذر زمان جامعه شبه‌دولتی‌ها به‌مثابه جامعه‌ای خاص، مجزا و مستقل از جامعه عمومی ظاهر شد و بدین‌سان، نیروهای اقتصاد سیاسی شبه‌دولتی تحت تأثیر دو عنصر «ارزش و منفعت هم‌زمان» به تدریج خصلت ابرطبقاتی مستقل، بیگانه و حتی در تضاد با جامعه یافتند^۳، اما چنین الگویی از انباشت سرمایه، عاری از ضعف و ناکارآمدی نبود.

سیاست‌های دولت قرار می‌گیرد. فعالیت اقتصادی بخش خصوصی نیز تحت همین موضوع متأثر می‌شود. در نهایت، قدرت دولت در اقتصاد و جریان سرمایه در جامعه مبتنی بر انتخاب ایران، در جریان انتخابات متبلور می‌شود. در ادامه، مطالب هر مورد به‌صورت مجزا تحلیل می‌شود.

۱-۲- توزیع منابع و فرصت‌ها

با فعالیت یافتن سرمایه‌داری دولتی در ایران هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی و الزام مصادره سرمایه‌های تجمیع‌شده در اقتصاد کشور (به‌واسطه دست‌درازی به بیت‌المال) که شامل اموال و دارایی‌های وابستگان رژیم پهلوی می‌شد، بخش شبه‌دولتی در اقتصاد ایران ظهور کرد. یکی از دلایل تولد شبه‌دولتی‌ها، بزرگی بیش از حد بخش دولتی و گستردگی مصائب ناشی از حکمرانی اقتصادی-اجتماعی رژیم پهلوی بود که باعث می‌شد دولت به‌تنهایی توان حل‌وفصل مشکلات و برقراری عدالت را نداشته باشد. از آنجاکه

خود ایالات متحده و چه در جهان) دست برده‌اند و بسیاری از جنبه‌های آزادی اقتصادی شهروندان را نقض و این‌گونه معنای نظم خودجوش را بی‌هویت کرده‌اند (Reisman، *دنیای اقتصاد*، ۱۳۸۷).

۱. منظور از «رتوریک انقلابی» استفاده وسیع رهبران مختلف انقلابی از خطابه برای اقناع توده‌های جامعه برای تغییر پارادایم قدرت پهلوی است (Worthington, 2008 ; Richards, 1965).

۲. مقام معظم رهبری در سال‌های بعد فرمودند: «ما در زمینه همه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما، هم توسعه‌محوریم هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و این‌ها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند این‌ها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را قبول نداریم» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۷/۴).

۳. اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بیان ساختار اقتصاد کشور از دید حقوقی می‌پردازد. در این اصل تأکید شده که بنیان اقتصاد ایران دولتی است و فعالیت بخش خصوصی به‌عنوان مکمل و پایین‌دست پذیرفته می‌شود. رهبر معظم انقلاب به دلیل بروز چنین مشکلاتی، در خرداد سال ۱۳۸۴ مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، با ابلاغیه‌ای در این اصل تجدیدنظر فرمودند و فعالیت بخش خصوصی را در بخش‌های بالادستی و بنیانی اقتصاد مجاز شمردند. ایشان سال ۱۳۸۵ بند ج این ابلاغیه را که مربوط به واگذاری بخش‌های کلان اقتصاد ایران به بخش خصوصی بود نیز به دولت ابلاغ کردند (ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۴/۳/۱).

مقام معظم رهبری و ایرادات سرمایه‌داری دولتی، به‌صورت ناخودآگاه یا خودخواسته در طول ادوار مختلف از سرمایه‌داری دولتی حمایت کردند و عملکرد نظام توزیع منابع و فرصت‌ها را به خطر انداختند.

۱-۳- اقتصاد بخش خصوصی

در ابتدای پیروزی انقلاب و تصویب فعالیت انحصاری دولت در صنایع بنیادین در قانون اساسی، سرمایه‌داری دولتی که عرفاً مورد قبول واقع شده بود، به‌صورت قانونی نیز تثبیت شد. همه این عوامل شرایط اقتصاد سیاسی را به سمت دولت فربه پیش برد، اما پس از پایان جنگ تحمیلی و تغییر شرایط کشور، دو نظر متضاد به‌صورت موازی دنبال شد. اول، میل به بازسازی و نوسازی جامعه پساجنگ و دوم، تمایل به حفظ و بازتولید نظم پارادایمی شکل‌گرفته در جامعه. نظر اول به هسته سرمایه‌ای فراتر از سرمایه‌داری دولتی نیاز داشت و در مقابل، نظر دوم مستلزم عدم تحول در هسته سرمایه‌داری دولتی بود. به دلیل عدم غلبه این نظریات بر یکدیگر به‌عنوان راه‌حلی میانه، نوسازی اقتصاد پساجنگ در قالب سیاست تعدیل ساختاری برنامه اول توسعه، خصوصی‌سازی و فعالیت بخش خصوصی آغاز شد (ستاری، ۱۳۹۹).

به‌مرور مشخص شد که راه‌حل مطرح‌شده برای سنتز دو نظریه مذکور نمی‌تواند به‌درستی عمل کند؛ چنانکه هنوز هم بخش‌های خصوصی و دولتی با یکدیگر تضاد منافع دارند و به تعامل کارآمد نرسیده‌اند. تمایل به حفظ اقتدار دولت مرکزی و

برای مشخص کردن معضلات سرمایه‌داری دولتی در توزیع منابع و فرصت‌ها به اهداف مورد نظر مقام معظم رهبری به ابتدای نامه ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره می‌شود. این اهداف عبارت‌اند از: (۱) شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، (۲) گسترش مالکیت در سطح عموم مردم برای تأمین عدالت اجتماعی، (۳) ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی، انسانی و فناوری، (۴) افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، (۵) افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، (۶) کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، (۷) افزایش سطح عمومی اشتغال و (۸) تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها (نامه ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۴/۳/۱). طبق این فرمایشات، موارد ۲، ۳، ۵، ۷ و ۸ به‌صورت مستقیم و دیگر موارد نیز به‌صورت غیرمستقیم بهبود توزیع منابع و فرصت‌ها را هدف قرار داده‌اند.

حال باید دید که چه شرایطی در اقتصاد سیاسی سبب ادامه مدل سرمایه‌داری دولتی در کشور شد؟ در پاسخ باید گفت از آنجاکه این شکل از سرمایه‌داری دولتی برای نخبگان قدرت، امکانی را فراهم می‌کند تا از طریق کنترل دو فرایند اصلی «جریان انباشت سرمایه» و «سازمان عمومی کار» به شکل مؤثری ساختار درآمد و مصرف افراد جامعه را به دست گیرند (Sattari, 2021) و بر محتوا و فرم زندگی سیاسی فرد در جامعه تأثیر بگذارند، بنابراین و با توجه به چنین فرصتی، نخبگان قدرت به‌رغم منویات

قدرت در سرمایه‌داری دولتی از طریق کنترل جریان انباشت سرمایه و سازمان عمومی کار بر زندگی سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند. این امکان در جامعه مبتنی بر چرخش قدرت با سازوکار انتخاباتی و مردمی کردن^۲، جذاب‌ترین گزینه برای سیاست‌مداران است. در جوامعی که کسب آرای مردمی راه رسیدن به قدرت است، ابزارهای اقتصادی دولت‌ها و گروه‌ها نظر عده زیادی را به خود جلب می‌کند.

یکی از شائبه‌های مطرح شده هنگام انتخابات در بسیاری از کشورها، تشکیک در منابع مالی احزاب و اشخاص برای هزینه‌های تبلیغاتی آنهاست. فارغ از تأیید یا تکذیب چنین اخباری، بحث اصلی بستر مناسب شکل‌گیری آن است. دولت مستقر در کشوری با سرمایه‌داری دولتی و اقمار آن که شامل شبه‌دولتی‌ها می‌شود، به دلیل تمکن مالی، در ایام نزدیک به انتخابات معمولاً سیاست‌های انبساطی در پیش می‌گیرد و افزون‌بر بسته‌های غیرنقدی، بسط پول را نیز افزایش می‌دهد. حال هرچه حجم و اندازه سرمایه‌داری دولت در اقتصاد بیشتر باشد، امکان و اثر جلب نظر غیرحقیقی مردمی نیز بیشتر می‌شود. به این صورت، یک شاخه نظام حاکم ممکن است قدرت و امکانات زیادی را در اختیار بگیرد و به آن نظام مردم‌سالاری لطمه بزند (آربلاستر، ۱۳۸۵).

زیرسیستم سیاسی^۱ که توسط نخبگان قدرت وجود دارد^۲، سرمایه‌داری دولتی را لازمه حفظ هژمونی^۳ دولت می‌داند و به این ترتیب، فعالیت بخش خصوصی را به واسطه اثر جایگزینی^۴ تحت تأثیر قرار می‌دهد. راهبرد اتخاذشده از سوی بیشتر کشورهای جهان در دهه‌های اخیر برای تقویت بخش خصوصی مواردی مانند کاهش تصدیگری دولت، ممانعت از مداخله در معادلات بازار و تسهیل در ایجاد شرایط رقابتی در فضای کسب‌وکار را شامل می‌شود. این حرکت در ایران نیز در برنامه‌های توسعه با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. مزیت شرایط اقتصاد سیاسی در پیشبرد اهداف نخبگان قدرت و دو عنصر «ارزش و منفعت هم‌زمان» انگیزه چنین اقداماتی را به حداقل رسانده است؛ به‌رغم اینکه کارشناسان بر کاهش اثر سیاست‌های دولت در ارتباط با برون‌رانی فعالیت و حضور بخش خصوصی در اقتصاد در صورت رعایت چنین مواردی اتفاق نظر دارند. به این ترتیب، اقتصاد سیاسی هسته سرمایه‌داری دولتی در ایران تاکنون نتوانسته است در تعاملی سازنده با بخش خصوصی قرار گیرد.

۱-۴- سپهر سیاسی و انتخابات

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی یکی از اقدامات تقریباً مشترک نخبگان قدرت در ادوار مختلف بوده است. همچنین، نخبگان

1. Political subsystem

۲. برای بررسی جزئیات بیشتر رک به: توماس هابز، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، ۱۶۵۱.

3. Hegemony

4. trading out effect

۵. در اینجا منظور از مردمی کردن روشی است برای خشونت‌زدایی از راه‌های انتقال قدرت؛ برخلاف نظر افلاطون که آن را بدترین شکل حکومت می‌داند.

اقتصاد تأثیر منفی بر جا گذاشت (روزنامه/ایران، ۱۳۹۲). برخی مطالعات اثبات می‌کند که بر اساس مکاتب رئالیسم و لیبرالیسم، آثار مستقیم تحریم‌ها در خصوص رشد اقتصادی و رابطه مبادله معنادار است و رابطه مستقیمی میان شدت تحریم‌ها و آثار آن بر متغیرهای اقتصادی وجود دارد (گرشاسبی و یوسفی، ۱۳۹۵؛ یزدانی و نوذری، ۱۳۹۳). برخی نیز بر اساس رهیافت سازه‌نگاری ثابت کرده‌اند که تحریم‌ها توانسته است بر اراده و عزم سیاسی دولت‌مملت ایران در استیفای حقوق قانونی خود خللی وارد کند (یزدانی و نوذری، ۱۳۹۳). آنچه در این گزارش به آن پرداخته می‌شود، تأثیر تحریم‌ها بر شرایط اقتصاد سیاسی کشور است. با توجه به دوره شوک تحریمی که حدود ۱/۵ تا ۲ سال در نظر گرفته می‌شود (نصیری و امینی‌راد، ۱۳۹۹)، می‌توان گفت که مقاومت حداکثری کشور در برابر تحریم‌های حداکثری پیروز شده است و از این‌به‌بعد آثار سوء تحریم‌ها نزولی خواهد شد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اختلاف میان نظام جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا افزون‌بر مسائل سیاسی، شامل مباحث ایدئولوژیک نیز می‌شود. با توجه به مکتبی بودن حاکمیت در ایران، خروج ایالات متحده از برجام و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه این کشور به هم‌گرایی بیشتر نخبگان قدرت در کشور انجامید. اتحاد سیاسی داخلی در برابر دشمن مشخص خارجی افزایش یافت و هم‌گرایی بین مسئولان تقویت شد. به عبارتی، در این تفکر، انسجام، همدلی و اتحاد میان نیروهای نظام مهم‌ترین راه عبور از مشکلات ناشی از تحریم و خنثی کردن

چنین معضلی در فضای انتخابات درباره شبه‌دولتی‌ها نگرانی بیشتری به همراه دارد؛ زیرا فضای مبهم و بعضاً عدم دسترسی سازمان بازرسی و دیگر دستگاه‌های نظارتی به اطلاعات عملکرد این نهادها احتمال بروز چنین تخلفاتی در این مجموعه‌ها را دوچندان می‌کند (عصر/ایران، ۱۳۸۷). تمرکز سرمایه، حضور نخبگان قدرت در رأس شبه‌دولتی‌ها، تعدد شرکت‌ها، عدم نظارت کامل و روابط اقتصاد سیاسی در شبه‌دولتی‌ها همگی بستر مناسبی را برای استفاده از سرمایه در راستای تأثیرگذاری بر رأی مردم فراهم می‌کند. در این شرایط، با توجه به تمایل دولت‌های مرکزی برای حفظ و گسترش هژمونی، گسترش سرمایه‌داری دولتی و حفظ پارادایم موجود توسط نخبگان قدرت محتمل‌تر می‌شود.

۱-۵- تحریم‌های اقتصادی

یکی از شاخصه‌های بارز جهان امروز، وجود ارتباط تنگاتنگ میان اقتصاد و سیاست و تأثیرگذاری عمیق این دو بر یکدیگر است. از مهم‌ترین مواردی که شرایط اقتصادی را متأثر می‌سازد، مقوله تحریم اقتصادی است (یزدانی و نوذری، ۱۳۹۳). در ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و کارشکنی‌های دولت‌های غربی با محوریت ایالات متحده آمریکا، نظام سیاسی و اقتصادی کشور به بهانه‌های واهی مورد هجوم تحریم‌های مختلف قرار گرفت. عمده تحریم‌ها علیه ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی، بعد از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران شکل گرفت و در پی چالش بر سر برنامه هسته‌ای ایران شدت بیشتری یافت. تحریم‌های هسته‌ای بر برنامه اتمی ایران تأثیرگذار نبود، بلکه بر

به‌طور کامل محقق نمی‌شود، بلکه بحران‌های اجتماعی شکل خواهد گرفت. بحران‌های انباشت سرمایه و ناکارآمدی از جمله آثار تفکیک‌ناپذیر استمرار چنین رویکردی است؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری یکی از ضروریات اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی را افزایش کارآمدی و توزیع درآمد بین آحاد جامعه قلمداد می‌فرماید.

جمع‌بندی و ارائه راهکارها

در تبیین شرایط اقتصاد سیاسی کشور مشخص شد که حفظ هژمونی دولت و عدالت‌محوری در اقتصاد، به مدل انباشت سرمایه دولتی منجر شده است. مدل سرمایه‌داری دولتی نیز به ایجاد شبه‌دولتی‌ها دامن می‌زند. در این بین، اصرار خبرگان قدرت در ادامه شرایط موجود به دلیل همگامی ارزش و منفعت، موجب اختلال در نظام توزیع منابع و فرصت‌ها، کنارزده شدن بخش خصوصی از اقتصاد، استفاده از منابع دولتی در مجاری انتخابات و آسیب‌پذیری اقتصاد در شرایط تحریمی می‌شود. راهکارهای زیر برای عبور از چنین وضعیتی پیشنهاد می‌شود.

– **گسترش خصوصی‌سازی واقعی:** نخستین راهکار، عمل به سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی به‌صورت دقیق است؛ زیرا طبق فرموده مقام معظم رهبری «اشکالاتی در کار خصوصی‌سازی هست، منتها اصل خصوصی‌سازی نیاز مبرم اقتصاد کشور ماست. این جزو همان مواردی است که ساختار را – که اول وجود نداشت – تکمیل می‌کند!».

فشار خارجی است. در واقع، انسجام و همدلی بین مردم و مسئولان در قوای سه‌گانه شاخصه عبور از بحران ناشی از تحریم‌هاست.

۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

شرایط فعلی اقتصادی و سیاسی کشور از سال ۱۳۲۳ با نگارش کتاب کشف الاسرار بنیان‌گذار انقلاب اسلامی شکل گرفت و نحوه ورود دولت به مسائل اقتصادی مشخص شد. روند رویکرد رهبران انقلاب و حوادث اجتماعی و اقتصادی سبب شکل‌گیری سرمایه‌داری دولتی به‌عنوان مهم‌ترین اثر در حوزه اقتصاد سیاسی در قرن اخیر بود. این روند در جریان انباشت سرمایه میل اشباع‌ناپذیری به سرمایه‌داری دولتی و شبه‌دولتی می‌دهد که به فربه‌تر شدن مداوم دولت و گسست آن از جامعه عمومی می‌انجامد. در اصل فلسفه وجود و ورود دولت به مسائل اقتصادی شکی نیست، اما با توجه به ناکارآمدی‌های مورد اشاره در متن، ادامه چنین روندی به تدریج نظام «کار، درآمد و مصرف» طبقات پایین و نیز متوسط جامعه را در معرض تنزل قرار می‌دهد.

در صورت تداوم اصرار خبرگان قدرت بر حفظ پارادایم فعلی اقتصاد سیاسی در طبیعی شدن سرمایه‌داری دولتی و شبه‌دولتی در اقتصاد سیاسی ایران و بازتولید دائمی آن با توجیه عدالت‌محوری در اقتصاد اسلامی، شکاف اقتصادی بزرگی میان عموم افراد جامعه و مجموعه‌های شبه‌دولتی به وجود خواهد آمد. به این ترتیب، نه تنها هدف اصلی عدالت

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱.

اصلاح الگوی سرمایه‌ای دولت باید اندیشمندان و نظریه‌پردازان بازتفسیری در ریشه‌های فکری و نظری سرمایه‌داری دولتی صورت دهند.

منابع

- آریلاستر، آنتونی (۱۳۸۵). دمکراسی. ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر آشیان، چاپ دوم.
- روزنامه ایران (۱۳۹۲/۲/۲۳). شماره: ۵۳۶۴، شماره خبر: ۵۳۶۴.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۸۷/۹/۲۵). شماره: ۱۶۹۲، شماره خبر: ۴۸۶۸۷۴.
- روزنامه عصر ایران (۱۳۸۷/۲/۱۵). کد خبر: ۴۱۶۹۶.
- ستاری، سجاد (۱۳۹۹). «بتواره سرمایه‌داری دولتی در ایران (۱۳۹۹-۱۳۲۳)»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۶، شماره ۳، صص ۹-۳۱.
- کاپوراسو، جیمز ای (۱۳۹۹). نظریه‌های اقتصاد سیاسی. ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: نشر ثالث.
- گرشاسبی، علیرضا و مجتبی یوسفی دیندارلو (۱۳۹۵). «بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی. شماره ۲۵، صص ۱۸۲-۱۲۹.
- هانت، دایانا (۱۳۹۳). نظریه‌های اقتصاد توسعه: تحلیلی از پارادایم‌های رقیب. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.

دو نکته مورد اشاره در این فرمایش، وجود اشکالات در اجرای فرایند خصوصی‌سازی و ضروری دانستن خصوصی‌سازی برای تغییر ساختار اقتصاد است. آنچه در متن نیز بدان اشاره شد، بر همین اساس بود. از آنجاکه هسته سرمایه‌داری دولتی میل اشباع‌ناپذیری به سرمایه‌داری شبه‌دولتی در جریان انباشت سرمایه دارد تا به افول قدرت دچار نشود، می‌توان با مرتفع ساختن (به تعبیر رهبری) اشکالات، خطاها، بی‌توجهی‌ها و لغزش‌ها توسط نهادهای مجری و نظارتی، ساختار انباشت سرمایه در اقتصاد را اصلاح کرد.

- عدم واگذاری شرکت‌ها به شبه‌دولتی‌ها: طبق مطالب مطروحه، شبه‌دولتی‌ها به‌عنوان اقدار سرمایه‌داری دولتی چه از لحاظ تمرکز سرمایه چه از لحاظ تعدد شرکت‌ها و چه از لحاظ عدم نظارت کامل و روابط اقتصاد سیاسی، زمینه گسترده‌ای برای ایجاد آثار منفی اقتصادی به همراه دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا با تعیین ضوابطی در جریان خصوصی‌سازی، از ورود و حضور بیشتر شرکت‌های شبه‌دولتی در اقتصاد جلوگیری به عمل آید.

- بازتفسیر نظام انباشت سرمایه: پس از ۴ دهه تجربه این مدل انباشت سرمایه، سرمایه‌داری دولتی ضعف‌های نظری و عملیاتی خود را نشان داده و ضرورت تغییر را برای خبرگان مسجل ساخته است. با توجه به مطالب ارائه‌شده مشخص می‌شود که وضعیت فعلی نظام انباشت سرمایه زاییده اندیشه‌های اقتصادی-اجتماعی و دینی برخی از رهبران انقلاب در سده اخیر بوده است. برای همین، در راستای

- Richards, I. A (1965). *The Philosophy of Rhetoric*. New York: Oxford University Press.
- Sattari, Sajjad (2021). *Foundations of State in the Middle Easte, Sabbatical Reaserch Projet*.
- Worthington, I (ed) (2008). *A Companion to Greek Rhetoric*. Oxford: Blackwell.
- یزدانی، عنایت‌الله، امین نوذری گرمه‌خانی (۱۳۹۳). «تأثیر تحریم‌های غرب بر ساختار اقتصادی و اراده سیاسی ایران»، دومین کنفرانس بین‌المللی اقتصادهای تحت تحریم. صص ۱-۱۸۱
- میرزانی، فرح‌الله جوانشیر (۱۳۹۵). *اقتصاد سیاسی (شیوه تولید سرمایه‌داری) با ذکر نمونه‌هایی از رشد سرمایه‌داری در ایران*. مصحح عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.
- Haidar, J. I. (2014). Sanctions and trade diversion: Exporter-level Evidence from Iran. In *ERF Annual Conference: Economic Development and Social Justice*.
- <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=165>.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3247>.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633>.
- Reisman, G (2006). FREEDOM IS SLAVERY: LAISSEZ-FAIRE CAPITALISM IS GOVERNMENT INTERVENTION: A Critique OF KEVIN CARSON'S STUDIES IN MUTUALIST POLITICAL ECONOMY. *Journal of Libertarian Studies*, 20(1), pp. 47-86.

